

الزام اخلاقی به پرهیز از تجسس (در امور دیگران) در قرآن و روایات

حسین طاهری وحدتی^۱

دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۷

چکیده

پاک ذهنی و نیک رفتاری فرد و جامعه، از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن و دین اسلام است و در پرتو آن، زمینه رشد انسان فراهم می‌شود. ظرافت و دقت نظر تعالیم دینی در سالم سازی روان آدمی موضوعی است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی کنونی ما را برطرف نماید. با عنایت به این ضرورت، مقوله تجسس مورد مطالعه قرار گرفت و این دریافت حاصل شد که: اگر حس تجسس گرایانه در افراد یک جامعه شایع و عادت شود، سلامت و بهداشت روانی از این ناحیه به شدت آسیب‌پذیر می‌گردد و باید آن را یک بیماری اخلاقی دانست که می‌تواند طیف گسترده‌ای از رفتار افراد را تحت تأثیر قرار دهد. محور و شاخص در این پژوهش، جمله «ولا تجسسوا» در آیه ۱۲ سوره حجرات است و برخی روایت‌های مرتبط با موضوع نیز، تحلیل محتوایی و گونه‌شناسی شده‌اند و هدف نیز، افزایش دانایی عمومی نسبت به پیامدهای عمل ناروای تجسس است.

کلید واژه‌ها: تجسس از نظر قرآن، تجسس‌گری، پیامدهای تجسس، تجسس از منظر روایات.

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مجله مشکوة.

حسن تعامل میان افراد یک جامعه از نیازهای اساسی و اولیه است و می‌توان آن را به صورت یک معادله درآورد. به هر اندازه که این تعامل میان شهروندان افزایش یابد بهداشت روانی و اعتماد عمومی نیز سیر صعودی پیدا می‌کند و وجدان همه این ضرورت را تأیید می‌نماید. اما مسئله این است که چگونه می‌توان به این مهم دست یافت و آن را در جامعه به صورت یک فرهنگ تثبیت نمود؟ در این نوشتار، نگارنده با مراجعه به قرآن یک توصیه جدی و عام را مرتبط با موضوع بررسی کرده که عبارت است از لزوم پرهیز جدی از تجسس در امور دیگران به عنوان پدیده زشت با پیامدهای بسیار تهدید کننده نسبت به تعامل و ارتباط اجتماعی. پرسش اصلی این است که چرا خداوند از تجسس منع کرده است و پیامدهای تجسس چیست؟

ارتباط سالم یک عامل تأثیرگذار در سلامت فرهنگی و روانی افراد است که متفرع بر آن یک سرمایه مهم اجتماعی برای شکوفایی جامعه قلمداد می‌شود. مدیریت و نظارت‌های مستمر و آسیب‌شناسی، عامل اصلی حفظ این سرمایه است. در این زمینه قرآن مسلمانان و مخاطبان خود را به نکات ارزنده‌ای توجه داده و البته شرط اصلی نتیجه بخشی آنها، عمل کردن مردم بر اساس سفارش‌های قرآنی است. تجسس با جست‌وجوگری در زندگی انسان‌ها، یکی از عوامل به هم خوردن سلامت اجتماعی و فردی است که در قرآن به صورت‌های مختلف و در آیات متعدد نسبت به آنها هشدار داده و به شدت از این عادت غلط نهی نموده است. راهکارهای عملی این توصیه‌ها حسب شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی بر عهده متدینان و مؤمنان به اسلام می‌باشد و البته رهنمودهای فراوانی در کلام معصومین علیهم‌السلام قابل بررسی است که می‌تواند ما را در آموزه‌های قرآنی در این خصوص مساعدت کند.

پیشینه تحقیق

مقوله تجسس از وجوه مختلف مطرح نظر بوده است، فقهای (عامه و خاصه) این موضوع را در فروع متنوع احکام فقهی مطرح کرده‌اند؛ مثلاً در باب جواز تصرف در

اشیاء در اختیار انسان (قاعده ید)، عدم لزوم تجسس برای اثبات مالکیت، یا در مبحث حقوق نظامی و جهاد اسلام و حکم به جواز تجسس برای دستیابی به اطلاعات امنیتی دشمن و همچنین در بحث حرمت افشای رازها و گناهان دیگران به عنوان یک عمل حرام و درپاره‌ای از موارد هم قابل مجازات.

آنچه در مباحث فقهی از تجسس بحث می‌شود، بیشتر برای مشخص شدن حکم تکلیفی نسبت به یک عمل است. بنابراین بسط این موضوع از منظر اخلاقی به عنوان یک رفتار تأثیرگذار در محیط خانواده و اجتماع، به نگاهی متفاوت نیاز دارد و می‌باید یک مطالعه میان رشته‌ای درباره آن انجام شود.

مقالاتی چند در این باره نگاشته شده و تا اندازه‌ای به این مهم پرداخته‌اند؛ از جمله:
۱. «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، خرازی، سید محسن، نشریه فقه اهل بیت، ش ۲۶، سال ۱۳۸۳، که بیشتر نگاه فقهی دارد.

۲. «ماهیت و حکم اخلاقی تجسس»، اترک، حسین، نشریه معرفت اخلاقی، ش ۴ پاییز ۱۳۹۰؛ این مقاله بیشتر به توصیف ماهیت و حکم اخلاقی تجسس پرداخته است و همچنین موارد استثنایی جواز تجسس.

۳. مقاله: تجسس *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۰، ص ۳۲۹۶ و مطالب پراکنده در محیط اینترنت که آثار فقهی و اخلاقی تجسس را بیان کرده است.
با توجه به آنچه ذکر شد، مقاله حاضر بر آن است که تنها از منظر اخلاق عملی (فارغ از بحث فقهی و توصیفی) و کاربردی به موضوع تجسس بپردازد و پیامدهای این عمل ناپسند را عینی‌تر و واضح‌تر تبیین کند؛ به امید آنکه پژوهشگران فرهیخته و توانمند، در کاربردسازی مفاهیم اخلاقی همچنان گام‌های مؤثرتری بردارند.

طرح مسئله

تجسس در واقع حالت و رفتاری است که فرد مبتلای به آن، بخشی از خواسته‌ها و کمبودهای درونی خود را از این طریق تأمین می‌کند. فرد تجسس‌گر (از منظر منفی

اخلاقی) حتماً خیرخواه دیگران نیست، بلکه بیشتر در پی عیوب و اطلاعاتی است که می‌تواند با آن حرمت افراد را در معرض تهدید قرار دهد و یا منفعتی را به دست آورد و گاهی هم این عمل، به عنوان یک سرگرمی و تفریح انجام می‌شود. در هر حال حکایت از این دارد که چنین شخصی از نظر شناختی با مشکل روبه‌روست؛ یعنی در خودشناسی نقص دارد و به جای خودپردازی، به دیگران که اسلام به شدت از آن نهی کرده و حتی عمل عیب‌یابی شخصی را در جهت خودسازی، طیب و پاکیزه دانسته است.^۱

نکته روان‌شناسانه این رفتار بر هیچ کس پوشیده نیست؛ انسانی که پیوسته در پی عیوب دیگران است تا بهانه‌ای پیدا کند برای بازکردن عقده‌های درونی خود، هرگز به تعادل روانی و شخصیتی خود فکر نکرده است و در واقع خود را از یک عامل معرفتی و تربیتی محروم نموده است.

متقابلاً قرآن در آیه ۵۴ سوره قصص، از رفتار کسانی گزارش می‌کند که در برابر کارها و اتفاقات ناخوشایند، بردباری می‌کنند و می‌کوشند بدی‌ها را با نیکویی‌ها دفع کنند. این فاصله معرفتی و رفتاری میان این دو گروه انسان‌ها که یکی پیوسته در پی جستن منقصت‌ها و عیب‌های دیگران است و دیگری حتی در برابر بدی‌ها، موضع اصلاح و ساختن رفتارها را دارد، می‌تواند یک درسنامه سبک زندگی و اخلاقی برای رابطه‌های اجتماعی امروز ما و همه اخلاق‌مداران، قرار گیرد. تفکر و تدبیر در آثار زیان‌بار جست‌وجو کردن احوال دیگران، در واقع تدبیر در بخشی از قرآن محسوب می‌شود که می‌تواند به تغییر یک رفتار ناپسند به رفتار خدای‌پسند؛ یعنی پرده پوشی و حفظ حرمت افراد، منجر شود. شایان یادآوری است هر یک از صفات رفتاری خوب و بد، متأثر از دیگر رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی هستند؛ بر این اساس خداوند در سوره حجرات مسلمانان را به

۱. «طوبی لمن شَعَلَهُ عِيبُهُ عَنْ عِیُوبِ النَّاسِ»؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۶، ص ۱۴۳.

این کلام بخشی از توصیه‌های حضرت رسول اکرم ﷺ به گروهی از اصحاب خود است.

اموری توصیه می‌کند و از مواردی باز می‌دارد که نتیجه عمل به آنها امنیت اخلاقی و وحدت اجتماعی است؛ مانند اصلاح میان گروه‌های مؤمنان، اخوت ایمانی، پرهیز از مسخره نمودن، نکوهش نسبت لقب‌های زشت، دوری از گمان بد که می‌تواند منشأ تجسس نیز باشد. دقت در این منظومه اخلاقی، ما را به فهم و دریافت پیام آن نزدیک‌تر می‌کند.

معناشناسی عبارت «ولا تجسسوا»

در آیه ۱۲ سوره حجرات از تجسس در زندگی دیگران به صورت مطلق نهی شده است؛ یعنی ذات عمل تجسس مذموم است. قرآن می‌خواهد با این تعبیر با روحیه تجسس‌گرایانه در جامعه برخورد کند. شناخت مصادیق به عهده عقل و عرف واگذار شده است؛ پس دایره آن وسعت دارد و ممکن است در زمان‌های مختلف تفاوت پیدا کند. هدف این است که از وقوع و شیوع چنین عمل و حالتی جلوگیری شود، همچنان که شکل این عمل نیز، متفاوت خواهد بود.

بی‌گمان نمی‌توان کلیت تجسس را مذموم شمرد؛ اما وقتی قرآن انسان‌ها را بدون قید و شرطی از تجسس باز می‌دارد، نظر به نوع ناپسند آن دارد؛ یعنی تجسسی که به صورت یک عادت زشت درآمده باشد و می‌تواند پیامدهای شکننده‌ای را در پی داشته باشد و آرامش فکری یک جامعه را تهدید کند؛ از یک عمل ساده تجسس گرفته تا رفتارهای پیچیده که گاهی حرمت و آبروی جمعی را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد؛ مثلاً ممکن است یک نگاه ساده و جست‌وجوگرانه در چهره و آرایش ظاهری یک فرد، او را دچار مشکل روحی نماید، نگاهی که اسباب زحمت برای فرد فراهم می‌کند. همه این ظرافت‌بینی‌ها و نکته‌سنجی‌ها در حوزه روابط میان فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی و دینی مورد اهتمام قرار گرفته است.

منشأ حرمت تجسس، لزوم حفظ حریم خصوصی افراد است که در شریعت اسلام به شدت از آن حمایت شده است و هرگونه عمل یا نظر که نقض‌کننده این حریم باشد،

مصادق لا تجسسوا خواهد بود. بدیهی است هر قدر زندگی اجتماعی و فردی توسعه یافته تر شود، مدل رفتارها هم متفاوت می شود و قهراً روابط افراد نیز تغییر کرده، حریم های تازه ای شکل می گیرد؛ به عنوان مثال امروزه گوشی تلفن همراه یا برخی از محیط های مجازی به عنوان حریم شخصی به شمار می آید، یا مثلاً در محیط های بسته و محدود مانند آسانسور، مترو و قطار که در یک فرصت محدود چند انسان در مقابل یکدیگر قرار می گیرند، حریم خصوصی افراد باید رعایت شود و رفتار شناسان برای آن اندازه خاص مشخص می کنند که در آن محدوده افراد حق ندارند به صورت مستقیم به چهره دیگران خیره شوند. حتی گاهی یک عمل با نیت خیرخواهانه مثلاً به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، ممکن است از مصادیق تجسس در حریم دیگران تلقی شود.

دیدگاه های تفسیری در آیه «ولا تجسسوا»

ابتدا باید یادآور شد که آیه ۱۲ سوره حجرات که چند موضوع مهم اجتماعی - اخلاقی را مطرح می کند، از آیات محکم بوده، معنای آن روشن است و به تأویل نیاز ندارد و غرض خداوند در طرح آن در واقع یک تذکر جدی است. این تذکر برای همه قابل فهم است، مهم آن است که محتوای آیه رفتار ما را تحت تأثیر خود قرار دهد و با تدبیر در آن، به یک اقدام عملی رهنمون شویم.

به نظر می رسد آنچه مفسران (با همه تنوع دیدگاه های تفسیری) در ذیل آیه به آن پرداخته اند، شرح مضامین آیه مزبور است. البته مفسرانی که دیدگاه های اجتماعی آنان در تفسیر آیات غلبه دارند، نگاهی عینی تر به مسئله داشته اند و با بهره گیری از روایات مربوطه که از معصومین علیهم السلام شرح مبسوط تری ارائه داده اند.

در اینجا ما چند دیدگاه تفسیری را درباره آیه مورد بحث معطوف به مقوله تجسس ذکر می کنیم:

۱. علامه طباطبایی مفسر برجسته قرآن پس از بیان تفاوت میان تجسس و تجسس و اینکه تجسس در امور شر کاربرد دارد می گوید: تجسس یعنی اینکه فردی در

جست‌وجوی دانستن عیوب دیگران است.^۱

نکته مهم در این برداشت تفسیری، حس اطلاع‌یابی فرد تجسس‌گر برای دسترسی به عیوب و نقایص افراد است که در واقع تلاش می‌کند و عملی انجام می‌دهد؛ پس در واقع چنین شخصی یک کار همدمند و با انگیزه را پی‌گیری می‌کند تا به وسیله آن به هدف خود برسد. هرچند ممکن است هدفش نوعی افتناع درونی باشد که چه بسا منشأ آن حسادت بوده، یا اینکه می‌خواهد با اطلاع از ضعف‌ها و نقایص افراد، اقدام به هتک شخصیتی آنان بنماید. البته نگارنده معتقد است با توجه به نهی مطلق از تجسس در این آیه، می‌توان ابعاد گسترده‌ای برای آن متصور شد که در همین مقاله درباره آن بحث می‌شود و وجه مشترک همه موارد؛ عیب‌جویی از دیگران است.

۲. نویسنده تفسیر *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، سه مقوله تجسس، سوءظن و غیبت را که در آیه مورد نظر از آنها نهی شده، مرتبط به هم دانسته، علت تحریم آنها را اهتمام اسلام به مسئله امنیت اخلاقی - اجتماعی می‌داند و عقیده دارد چنانچه اوامر الهی در این باره (پرهیز از تمسخر، بدزبانی، کاربرد کلمات زشت، گمان بد، غیبت و تجسس) رعایت شود، حرمت و کرامت انسان‌ها تضمین می‌گردد. ایشان بر این امر تأکید دارد که اسلام می‌خواهد امنیت روانی و جانی (یعنی امنیت مطلق و جامع) در جامعه مسلمانان فراهم آید.

۳. مؤلف تفسیر *الکاشف تجسس* را به دلیل سنت، اجماع و عقل حرام می‌داند و در ادامه این بحث را مطرح می‌کند که امروزه در ایالات متحده آمریکا به خاطر اختراعات و تجهیزات فوق پیشرفته الکترونیکی، همه دیوارها فرو ریخته و مرزها و حریم‌های خصوصی در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. ابزارهای بسیار کوچکی وجود دارد که می‌توان با آنها اطلاعات زیادی را به دست آورد و مهم‌تر آنکه این پدیده بسیاری از

۱. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، ص ۳۲۳.

کشورها را تحت تأثیر خود قرار داده و آنها را با مشکلات فراوانی مواجه نموده است.^۱ تفسیر و انطباق علمی آیات قرآن بر مسائل زندگی بشر امروزی به ویژه جامعه مسلمانان، کار فوق العاده با اهمیتی است. این مسئولیت سترگ، هوشمندی و تلاش مضاعف می طلبد. پژوهشگران مرتبط با قرآن می باید همه این حساسیت ها را درک نمایند. پاسخ های قرآنی به خصوص در حوزه سبک زندگی اجتماعی، باید مستدل، علمی و جاذبه دار باشد. روایت درست و جامع از مقوله تجسس و نقش آن در آسیب دیدن تعامل اجتماعی، در واقع یکی از راهکارهای سامان یابی زندگی است. در این صورت می توان از آسیب های ریز ساخته های علمی بشر در امان ماند.

۴. در تفسیر قرطبی ذیل تفسیر آیه مورد نظر بعد از بررسی مختصری در معنای لغوی تجسس، می گوید: معنای آیه این است: «خُذُوا مَا ظَهَرَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ، أَيْ لَا يَبْحَثُ أَحَدُكُمْ عَنْ عَيْبِ أَخِيهِ حَتَّى يَطَّلِعَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ سَتَرَهُ اللَّهُ»؛ با مردم براساس آنچه از آنان آشکار است، رفتار نمایید و در پی کشف پنهانی ها نباشید و از عیب برادران دینی خود پرده برندارید؛ چرا که خداوند عیوب او را پوشانده است. مفسر در ادامه نمونه های تاریخی را می آورد که چگونه مسلمانان آن روزگار با استناد به همین آیه در مقابل عمل تجسس گرایانه خلیفه دوم، به محاجه برخاستند و آن را محکوم کردند. روایاتی نیز در محکومیت عمل تجسس ذکر می کند؛ از جمله روایتی از حضرت رسول اکرم ﷺ که ایشان فرموده است: «إِنَّ الْأَمِيرَ إِذَا ابْتَغَى الرِّبِيَّةَ فِي النَّاسِ، أَفْسَدَهُمْ»؛ هرگاه حاکم یا رهبر قومی حس عیب جویی در میان مردم داشته باشد، آنان را به فساد خواهد کشید.^۲

۵. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات، مقوله تجسس در

۱. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۷، ص ۱۲۱.

۲. قرطبی، شمس الدین، تفسیر القرطبی، ج ۹، ص ۶۳۸۳.

امور دیگران را بر مبنای وجه اخلاقی و قانون اجتماعی اسلام، یک عمل زشت می‌داند که سبب می‌شود محدوده حفاظت شده حرمت انسان‌ها یعنی حریم خصوصی، آسیب ببیند و امنیت روانی و فکری آنان در معرض تهدید جدی قرار بگیرد. بر اساس دیدگاه وی، هیچ کس حق ندارد بداند مردم در خلوت و محیط خصوصی خود به چه کاری مشغول هستند. در همین زمینه روایتی را نقل می‌کند که بر اساس آن، کسی به ابن مسعود گزارش می‌کند از لحيه فلان کس قطرات شراب می‌چکد، او می‌گوید: ما از تجسس در کار دیگران نهی شده‌ایم، آنچه از اعمال انسان‌ها ظاهر می‌شود، ملاک است. مفسر در ادامه، این بازدارندگی اخلاقی را در اسلام، نشانه افق برتر نظام اخلاقی در اجتماع انسانی می‌داند و تعریضی می‌بیند به نظامات حقوقی و دموکراسی امروز دنیا.^۱

آیات هم معنی با تجسس

به جز آیه مورد نظر (۱۲ سوره حجرات)، در چند آیه دیگر هم از عمل مداخله و تجسس در امور دیگران نهی شده است. شاید بتوان گفت موارد نهی شده از مصادیق نهی کلی لا تجسسوا باشد، اما ذکر آنها به صورت موردی و مصداقی، حتماً دلیل خاصی داشته و برای سلامت حیات فردی و اجتماعی ضروری بوده است. علاوه یادآوری موارد ویژه در آیات قرآن، توجه مخاطب را بیشتر به خود جلب می‌کند مانند؛ این آیات:

۱. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. خداوند در این دو آیه مؤمنان را موظف می‌کند که برای ورود به خانه‌های دیگران اجازه بگیرند و اگر صاحب خانه را ندیدند، داخل نشوند و اگر هم اجازه ورود به آنها داده نشد، اصرار نکنند و بازگردند و علت آن را هم پاکیزه‌تر بودن چنین عملی بیان می‌فرماید. برخی از

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۳۴۶.

تفاسیر در شأن نزول این آیه، روایتی را نقل می‌کنند که بر اساس آن، زنی خدمت پیامبر ﷺ می‌رسد و اظهار می‌دارد: گاه در خانه‌ام در حالتی هستم که دوست ندارم کسی من را در آن وضعیت ببیند، ولی گاهی کسانی از اهل خانه بر من وارد می‌شوند؛ سپس این آیه نازل می‌شود.^۱

از صراحت و فحوای این روایت فهمیده می‌شود عمل وارد شدن به خانه دیگران بدون اجازه، یک رفتار جست‌وجوگرانه است و یا حداقل آن نتیجه را به دنبال دارد، اما اگر با اجازه همراه بود این رفتار تغییر ماهیت می‌دهد. همه می‌دانیم که رسول خدا ﷺ حتی برای ورود به خانه یگانه دخترش حضرت فاطمه (که او را همچون جان خویش می‌دانست) اذن می‌طلبید.^۲ چرا چنین رویه‌ای داشت؟ در این آموزه یکی از بهترین و کارآمدترین پیام‌های زندگی (در هر شرایط) قابل دریافت است. واقعیت آن است گاهی با برخی از مشکلات و چالش‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو هستیم، اما چون ریشه‌یابی نمی‌کنیم، هیچ‌گاه به فکر اصلاح رفتار خودمان نیستیم.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه ضمن اشاره به معنای انس و استیناس که موجب اطمینان قلبی می‌شود، از محتوای آیه چنین استظهار می‌نماید که مصلحت حکم مذکور در آن عبارت است از پوشیده ماندن اسرار مردم و حفظ کرامت آنان. اجازه خواستن برای ورود به خانه دیگران، در واقع حمایت از حقوق شخصی و نوعی اعلام امنیت از سوی وارد شونده است. ایشان استمرار چنین سنت و سیره‌ای پسندیده را در میان جامعه و افراد، سبب محکم شدن پایه‌های برادری، دوستی و همکاری عام در یک امر نیکو می‌داند، چنان‌که موجب پوشیده نگاه داشتن زشتی‌ها هم خواهد بود.^۳

۱. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۳۸.

۲. عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۸۷.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۹.

یکی از مفسران نکته‌ای جالب از واژگان ترکیبی عبارت ﴿حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾ دریافت کرده، می‌گوید: الاستیناس می‌رساند که شخص وارد شونده به محیط امن و مستور دیگران، باید جوانب عاطفی را هم رعایت کند؛ مثلاً کلمات را با صدای بلند نگوید، کوبیدن در شدید نباشد، بلکه با واژگانی نرم و لطیف و سرشار از محبت و ظرافت اعلام ورود و استیذان کند^۱.

۲. آیه ۱۱ سوره قلم: ﴿وَلَا تُطْعَمُ كُلُّ خَلْفٍ مَّهِينٍ * هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ﴾ که بسیار کوتاه است، اما بار معنایی بسیار بلند و تأثیرگذار خداوند در این آیه پیامبر را بر حذر می‌دارد که از انسان‌های عیب‌جوی مردم همچون دیگرانسان‌های منحرف که در آیات قبل از این آیه برشمرده شده، اطاعت نکند. این در واقع یک توصیه اخلاقی و تأدیبی برای همه مسلمانان است که رفتار و منش خود را بر مبنای خردمندی و حقیقت پایه‌ریزی نمایند.

واژه «هَمَّاز» مورد نظر است. برخی از مفسران اهل سنت، هَمَّاز را به فرد بسیار عیب‌جو معنا می‌کنند؛ کسی که همواره میان افراد درآمد و شد است تا عیب‌ها و نقایص جسمی و روحی آنها را به دیگران منتقل کند.^۲ بی‌گمان در صورتی می‌توان به عیوب آدم‌ها پی برد که پیوسته به زندگی و حوزه خصوصی آنان سرک کشید و یا با سخن‌چینی و خبرکشی بر جزئیات و اسرار افراد واقف شد. خداوند در تهدید و زشت دانستن چنین کاری با کلمه ویل و وعده عذابی بزرگ از کردار ناپسند چنین کسان یاد می‌کند: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (همزه/۱).

همزه و لمزه بر وزن فعله است و دلالت دارد بر اینکه کاری به صورت عادت از شخصی سر می‌زند، چون به صورت مستمر و فراوان آن کار را انجام داده است؛ مثلاً

۱. مدرسی، سید محمد تقی، *تفسیر من هدی القرآن*، ج ۸، ص ۲۹۱.

۲. ملاحویش آل غازی، عبد القادر، *تفسیر بیان المعانی*، ج ۱، ص ۸۰.

کسی که زیاد می‌خندد به او ضحکه گفته می‌شود... و از نظر معنا و مفهوم همزه صفتی است که از هَمْزِ مشتق شده و به این معناست که فردی عیوب دیگران را از طریق اشاره با چشم، سر یا دهان به رخ آنان بکشد^۱ این شیوه عیب‌یابی و عیب‌گویی از دیگران همراه با نوعی تمسخر نیز هست و کسی که چنین عملی را مرتکب می‌شود، به قصد حرمت شکنی انسان‌ها اقدام می‌کند و در واقع به حریم امنیت معنوی و شخصیت آنان وارد می‌شود و دیگران را هم متوجه می‌کند که فلان آدم دارای چنین عیوبی است. پس هم عیوب دیگران را جست‌وجو می‌کند و هم به افشای آنها می‌پردازد.

تجسس در روایات

نگارنده عقیده دارد بیان احکام و تفسیر گزاره‌های دینی در ظرف روایات، جزئی‌تر، روشن‌تر و نوعاً بیان مصادیق است؛ چون گفتمان روایات و کلام معصومین علیهم‌السلام، بیشتر عهده‌دار تبیین دین و تفسیر آیات و آثار اعمال و نیات مؤمنان است. مسئله تجسس از نظر اخلاقی و به عنوان یک عمل ناپسند، در روایات به شدت نکوهش شده است، به ویژه آثار و پیامدهای آن مورد تأمل قرار گرفته و گاه مصادیقی از تجسس ذکر شده که قابل تطبیق بر شرایط زندگی در هر زمان است و به سلامت روانی جامعه آسیب جدی وارد می‌سازد.

گروه‌های روایتی

از بررسی محتوای روایات وارد شده در مورد تجسس برمی‌آید که آنها در چند گروه قابل تقسیم‌بندی هستند. گروه اول احادیثی که با توجه به اهمیت حرمت و شخصیت افراد مؤمن از عیب‌جویی نسبت به دیگران منع می‌کند. گروه دوم روایاتی که به بیان پیامدهای این عمل اخلاقی می‌پردازد، گروه سوم احادیثی که در مقام بیان حرمت

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریروالتنوییر*، ج ۳، ص ۴۷۱.

افشای گناه است و گروه چهارم معطوف به بیان حریم خصوصی انسان هاست. وجه اشتراک همه اینها، مذمت تجسس در مورد شخصیت، عیوب و اسرار دیگران است.

نمونه گروه اول: (حرمت انسان)

محترم شمردن جان و آبروی انسان به ویژه انسان مؤمن، از اصول اساسی اسلام است. این حرمت گذاری هم بر عهده خود فرد گذاشته شده و هم بر عهده جامعه؛ جامعه به معنای جایی که انسان‌ها موظف‌اند رفتارهایی متقابل داشته باشند، از جمله اینکه به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. اگر فردی به گونه‌ای رفتار کند که سبب حرمت شکنی خودش شود، مسئول است و چنانچه افراد در تعامل با هم موجب چنین کاری بشوند، مسئولیتی سنگین‌تر متوجه آنان است.

آبرو و حیثیت انسان مؤمن از حقوق معنوی اوست. در بعضی از روایات، آبروی مؤمن در مقایسه با حرمت کعبه، برتر دانسته شده است.^۱ در متون معتبر دینی ما در برخی روایات، نکته‌های بسیار ارزشمندی (در عین سادگی بیان) دیده می‌شود که تأمل در آنها و عمل به آنها، وجهی درست و سالم از سبک زندگی برای ما ترسیم می‌کند. بخشی از این توصیه‌ها به ساحت احترام گذاردن به خود و دیگران مربوط می‌شود. رعایت این امر سبب محفوظ ماندن حریم خصوصی افراد است. عواملی از قبیل داشتن اراده قوی، اعتدال در احساسات، اعتماد به نفس و رفتار مناسب عقلانی، به وجود آورنده حریم خصوصی است که مانع نفوذ دیگران می‌شود؛ مثلاً توصیه شده‌ایم رازدار خویش باشیم^۲ و آنچه در درون داریم، دیگران را از آن باخبر نکنیم؛ چون پیامدش، خواری گوینده

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام: «المؤمن أعظم حرمة من الكعبة»؛ نجفی، هادی، *الف الحدیث فی المؤمن*، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. عن الصادق علیه السلام: «إياك أن تخبر الناس بكل حالک فتهون علیهم»؛ بروجردی، محمد حسین، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۱۷، ص ۳۴۶.

است. با تأمل سخن بگوییم، بی سبب و حکمت، عرض نیازپیش هرکس نبریم^۱ و متقابلاً در برابر حریم و حرمت هم نوع خود مسئول باشیم و اگر این گونه نباشیم، راه تجسس دیگران را به حوزه امور شخصی خود گشوده ایم.

نمونه گروه دوم: (پیامدهای تجسس)

هر نهی یا امر و یا توصیه اخلاقی از سوی دین، مستظهر به حکمتی عملی است. این مسئله به فلسفه احکام دینی یاد می شود. در مقوله بازدارندگی از تجسس و همچنین زمینه تجسس، در متن روایات، گزاره ها و مصادیقی متفاوت از پیامدهای عمل تجسس در زندگی دیگران یاد شده است. پیامدهای ذکر شده در این روایات گونه های مختلفی است از جمله:

۱. بازگشت نتیجه تجسس و عیب جویی از مردم به فرد عیب جو، چنان که پیامبر ﷺ با تأکید به مردم خطاب می کند: (گویا تعریض دارد به کسانی که هنوز ایمان در عمق وجودشان جای نگرفته است) ای گروه مسلمان به زبان، در پی عیوب پنهانی و آشکار مردمان نباشید که خداوند چنین افرادی را رسوا خواهد کرد.^۲

در روایت دیگری هست که خدا او را رسوا می کند، گرچه در اندرون خانه خود پنهان باشد.^۳

۲. رواج و اشاعه فساد در میان گروه های انسانی؛ مثل این روایت که رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. عن الباقر عليه السلام: «من سأل من غير فقر فأثما يأكل الخمر»، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۷.
۲. قال رسول الله ﷺ: «يا معشر من أسلم بلسانه ولم يسلم بقلبه لا تتبعوا عثرات المسلمين، فإنه من تتبع عثرات المسلمين تتبع الله عثرته ومن تتبع الله عثرته يفضحه»؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵.
۳. زمخشری، محمود، تفسیر الکشاف، ج ۴، ص ۳۷۳.

«از زن بدکار نپرسید چه کسی با تو فسق کرد؛ زیرا همان گونه که به راحتی مرتکب فحشا می شود، همان گونه ممکن است مسلمان بی گناهی را بدنام کند.»^۱

۳. ایجاد مشکل در دوست یابی؛ مقوله ای که از ضروریات زندگی اجتماعی انسان به شمار می آید. در فرهنگ دینی - اجتماعی، بزرگان دین به این امر مهم توجه جدی داشته اند. روایتی از طریق ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان می فرماید: «ای ابا بصیر! از دین و آیین مردم پرس و جو و تفتیش نکن که ممکن است بدون دوست بمانی.»^۲

قطعاً امام صادق علیه السلام با این کلام، در مقام بیان اهمیت و ضرورت داشتن دوستان است که به مهارت نیاز دارد و پرس و جو پیوسته و افراطی از اعتقادات و دیدگاه ها، مانع تحقق این مهم می باشد. در همین زمینه روایاتی وارد شده که خصلت کریمانه در رفتار، موجب می شود انسان نسبت به خیلی از چیزهایی که از دیگران اطلاع دارد، خود را غافل بنمایاند و هرگز در صدد به رخ کشیدن عیوب آنان بر نیاید.^۳

تکمیل کننده این مسئله، توصیه ای است که در زبان روایات ما وجود دارد و آن عبارت است از پرهیز نسبت به معاشرت با افرادی که پیوسته به دنبال نقایص و عیب های هم نوعان خود هستند.^۴ این هشدار دینی در شعر سعدی این گونه بازتاب یافته است:

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

۱. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، ص ۴۸، حدیث ۱۷۷.

۲. این روایت در کتب معتبر شیعی روایت شده از جمله: ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۳۶۹.

۳. القطب الراوندی فی دعواته عن أمير المؤمنين علیه السلام إنه قال: «أشرف خصال الکريم، غفلتک عما تعلم»؛

بروجردی، محمد حسین، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۱۵، ص ۵۶۴.

۴. قال علی علیه السلام: «إياک و مباشرة متتبعی عیوب الناس، فإنه لم یسلم مصاحبهم منهم»، *شرح غرر الحکم*،

ج ۲، ص ۲۹۱.

نمونه گروه سوم: (حرمت و زشتی افشای گناه دیگران)

رویکرد اسلام به جلوگیری از افشای گناه مردمان بر سه امر استوار است:

- ۱- نگاه داشتن حرمت سلامت و قداست جامعه؛
- ۲- پیشگیری از هتک شخصیت افراد که ممکن است در شرایطی اقدام به ارتکاب گناهی بکنند، اما نباید فرصت برگشت از آنان گرفته شود؛
- ۳- پیشگیری از تهمت که منشأ همه اینها، حس و انگیزه ناپسند تجسس در زندگی مردم است.

در قرآن ممنوعیت اشاعه و افشای گناه بعد از اتفاقی در صدر اسلام شکل گرفت که عده‌ای نا بخردانه به گزارشی نادرست و به دنبال آن به تحلیل آن پرداختند؛ یعنی ماجرای افک.^۱ بعد از این ماجرا آیه‌ای به صورت عام نازل شد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور/۱۹).

کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنانی که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خداست که می‌داند و شما نمی‌دانید.

شاید جمله ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ در پایان آیه اشاره باشد به حکمتی که در نهی از عمل اشاعه فحشا وجود دارد، که انسان‌ها به سبب غفلت و سهل‌انگاری و احاطه نداشتن بر تأثیر برخی از رفتارها، آنها را انجام می‌دهند و طبعاً نتایج آن را خواهند دید. بدین سبب علامه طباطبایی عقیده دارد بر فرض نزول این آیه ۱۹ (سوره نور) پس از ماجرای افک، هدف در آیه تهدید تهمت‌زندگان است؛ چون افک از مصادیق فاحشه

۱. رجوع شود به: طباطبایی، محمد حسین، *المبیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۲۷-۱۲۹.

است. پس مقصود از فاحشه، مطلق فحشاست.^۱

روایات مربوط به حرمت اشاعه فحشا که برخی از آنها ذیل همین آیه گزارش شده است، بر همین عمومیت دلالت دارد. در اینجا چند روایت را نقل می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «من أذاع فاحشة كان كمتدئها؛^۲ کسی که عمل زشت و منکر انجام شده را فاش نماید، جرم و گناه آن، همانند مرتکب شونده است.

امام صادق علیه السلام نکته‌ای ظریف و قابل تأمل را در ضمن روایتی دیگر چنین بیان می‌کند: «اگر کسی درباره شخص مؤمنی چیزی را اظهار کند که با چشم دیده و با گوش شنیده، این فرد مصداق آیه ۱۹ سوره نور خواهد بود»؛^۳ یعنی در شمار دوستداران اشاعه فحشا در جامعه ایمانی می‌باشد.

نمونه گروه چهارم (حریم خصوصی)

روایاتی مرتبط با موضوع تجسس وجود دارد که می‌توان آنها را با نگاه تأویل‌گرایانه مربوط به حریم خصوصی مربوط دانست.^۴ یادآوری این مطلب به سبب آن است که در فقه اسلامی عنوان حریم خصوصی نام‌برده نشده است؛ اما منع از برخی رفتارها را مانند: حرمت استراق سمع نسبت به دیگران، منع پرسش از اعتقاد دیگران و منع از نگاه کردن به مکتوب دیگران، می‌توان از مصادیق ورود به حریم خصوصی دیگران دانست. وضعیت زندگی در عصر کنونی موجب شده است تغییراتی یا مستحدثاتی در حقوق شخصی افراد به وجود آید و در نتیجه مسائلی تحت مواد قانونی و لازم الاجرا انعکاس یابد، با پشتوانه

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۳۲.

۲. قمی مشهدی، محمد بن رضا، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، ج ۹، ص ۲۶۵.

۳. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، ج ۳، ص ۴۲۶.

۴. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود: محسنی فرید، *حریم خصوصی اطلاعات*، ص ۳۳-۳۴.

حقوقی و قضایی؛ اما مهمتر آن است که نمی‌توان همه حوزه‌های رفتاری انسان‌ها را با پوشش قضایی و حقوقی، نظارت و مدیریت نمود. اسلام در این گونه موارد، به صورت جدی به بازدارندگی درونی و تأمل در بازتاب عمل، تأکید می‌کند.

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که ایشان در جریان یک اتفاق و به مناسبتی در پاسخ به یک اعتراض فرمود: من مأمور نشدم تا به درون مردم نقب بزنم و آن را بشکافم. پیامبر از متن این اتفاق، نکته‌ای تربیتی بیرون آورد که اصولاً در مقوله باورها و اعتقادات دینی نباید تجسس کرد. ایشان مستند این حکم را بیان می‌فرماید که شاید او نماز می‌خواند.^۱ امام علی علیه السلام نیز به تأسی از پیامبر صلی الله علیه و آله در شیوه مردم‌داری و پاس داشتن حرمت آنان، به مالک اشتر این نکته را یادآوری می‌شود که والی - یعنی کسی که صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی است - به پوشاندن عیوب مردم سزاوارتر است.^۲

نتیجه

۱. تجسس دارای ابعاد و طیف گسترده‌ای است که شامل مصادیق زیادی می‌تواند باشد و ممکن است حسب شرایط متفاوت گردد.
۲. از جمله پیامدهای تجسس، بروز اختلال روانی در میان افراد آن جامعه است.
۳. جامعه‌ای که افراد آن به این خصلت ناپسند عادت کرده باشند، ناامن است و شاد نیست.
۴. تجسس سبب می‌شود حریم خصوصی افراد که از حقوق اولیه هر انسانی محسوب می‌شود، آسیب پذیر شود و در واقع با این اتفاق، بخشی از زندگی فرد با مشکل روبه‌رو می‌گردد.

۱. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَئِنَّ لَمْ أُوْمَرَأَنْ أَنْقَبْ عَن قُلُوبِ النَّاسِ وَلَا أَشَقُّ بِطُونَهُمْ»، ج ۳، ص ۱۱۱.

۲. نهج البلاغه، نامه امام علی به مالک اشتر.

۵. چه بسا ندانیم این صفت ناپسندیده چه ناهنجاری‌هایی را بر زندگی ما تحمیل می‌کند؛ زیرا حکمت حرمت آن را درک نکرده‌ایم.
۶. برای پیشگیری از شیوع این رفتار زشت، می‌باید در شیوه‌های تربیتی و به ویژه در محیط خانواده و دیگر محیط‌های جمعی تجدید نظر شود.
۷. با اطمینان می‌توان گفت هرکنش اجتماعی غلط و غیراخلاقی، در واقع جای یک عمل صالح و شایسته را اشغال می‌کند. پس تجسس در زندگی دیگران، جای هم‌پوشانی عیوب و مهرورزی به هم را می‌گیرد.
۸. نتیجه عمل ساده یا پیچیده تجسس در زندگی دیگران تنها در محدوده همان عمل اثرگذار نیست، بلکه به دیگر حوزه‌ها و روابط اخلاقی هم سرایت می‌کند.
۹. پرهیز جدی از دخالت بی‌مورد در زندگی دیگران، یک توصیه مهم قرآنی و از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - انسانی است.

منبع شناسی:

قرآن کریم (ترجمه دکتر فولادوند).

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌تا.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳. بروجردی، حسین، *جامع احادیث الشیعه*، مطبعة المهر، قم، ۱۳۶۷ش.
۴. حرآنی، ابن شعبه، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.
۵. زمخشری، محمود، *تفسیر الکشاف عن غوامض التنزیل*، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۶. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره، ۱۴۱۲ق.
۷. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیه‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم،

- ۱۴۱۷ق.
۹. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هجدهم، قم، ۱۳۸۳ش.
 ۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سیدحسین موسوی، خراسان، دارالکتب الاسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵ش.
 ۱۱. عروسی حویزی، عبدعلی، *تفسیر نورالثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
 ۱۲. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
 ۱۳. قرطبی، شمس الدین، *تفسیر القرطبی*، قاهره، ۱۴۱۰ق.
 ۱۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
 ۱۵. کلینی، یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵ش.
 ۱۶. متقی هندی، *کنز العمال*، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
 ۱۷. محسنی، فرید، *حریم خصوصی اطلاعات، مطالعات کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه*، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۹ش.
 ۱۸. مدرسی، سید محمدتقی، *تفسیر من هدی القرآن*، دارمحبی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ق.
 ۱۹. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ق.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۲۱ق.
 ۲۱. ملاحویش آل غازی، *بیان المعانی*، مطبعة الترقی، دمشق، ۱۳۸۲ق.
 ۲۲. نجفی، شیخ هادی، *موسوعة احادیث اهل البيت علیهم السلام*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
 ۲۳. نجفی، هادی، *الف الحدیث فی المؤمن*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.
 ۲۴. *نهج البلاغه*، ترجمه دکتر محمد مهدی فولادوند، انتشارات ولی عصر، تهران، ۱۳۸۱ش.
 ۲۵. نیشابوری، مسلم، *صحیح مسلم*، دارالفکر، بیروت، بی تا.